

ارزیابی پایه‌های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران جناب آقای دکتر ایرج توتونچیان

دانشیار اقتصاد دانشگاه الزهراء (س)

و محقق ارشد اقتصادی مؤسسه بانکداری ایران

بسمه تعالی

مقدمه: با توجه به پیشرفت رشته‌های مختلف علوم بشری در آستانهٔ قرن بیست و یکم تقریباً غالب اعمال و رفتارهای بشر در چارچوب الگو (یا الگوهای) نظری قابل توجیه است. حتی نظریهٔ مربوط به گامهای تصادفی (THEORY OF RANDOM WALK) که در بحث مالیه جایگاه خاصی پیدا کرده است. همچنین است قانون عملیات بانکی بدون ربا.

از زمان تشکیل اولین جلسات انشاء این قانون که با حضور مجتهدین و فقها - متخصصین امور بانکی - اقتصاددانان - حقوق‌دانان و برخی از افراد سرشناس بخش خصوصی* در وزارت امور اقتصادی و دارائی تشکیل گردید، مراحل دفاع و اصلاح متن نوشته شده توسط کمیتهٔ مربوطه در جلسات شورای پول و اعتبار - شورای عالی بانکها - هیأت دولت و بالاخره کمیسیون نظام بانکی مجلس شورای اسلامی تا تصویب نهائی آن حدود دو سال به طول انجامید. این قانون بدون مبالغه (به دلیل بحث‌های طولانی) از جنبه‌های مختلف فقهی - اقتصادی - بانکی و اجرائی) بهترین قانونی است که با

* اشاره است به شادروان جناب آقای حاج آقا انصارین از بازرگانان خوشنام و اهل تقوی و فضیلت که در جلسات موصوف مرتباً مشارکت می نمودند.

توجه به ضوابط اسلامی و ملاحظات مسائل فنی اقتصادی در تأمین نیازهای مالی اشخاص حقیقی و حقوقی تدوین گردیده است. شاید بتوان گفت که این قانون از جمله افتخارات عظیم مجلس شورای اسلامی و کشورمان می‌باشد و باید به پاس تفضل الهی در درک - بکارگیری - نظارت و کنترل آن بیش از گذشته اهتمام ورزید زیرا صحیح پیاده کردن آن متضمن آثار مثبت اقتصادی معتنا بهی است^۱ که به نحو قابل ملاحظه‌ای بیش از هزینه‌های مربوط به آموزش - نظارت و کنترل آن می‌باشد. این قانون به دلیل ظرافتهای زیادی که در تدوین آن بکار گرفته شده است (برعکس بانکداری ربوی) به تخصص‌های بالا نیاز دارد. در نتیجه تأکید بر آموزش در تمام سطوح اداری و کارشناسی بانکهای کشورمان از اهمیت خاصی برخوردار است.

این قانون نیز مانند هر پدیده اقتصادی - اجتماعی دیگر از الگوی نظری خاص پیروی نموده است. نویسنده این مقاله (که یکی از افراد کمیته انشاء این قانون بوده و در تمام مراحل ذکر شده بجز هیأت دولت حضور داشته است) طی ۸ سال گذشته سعی نموده است که الگوی نظری این قانون را در قالب مقالات متعددی تهیه نماید.^۲

می‌دانیم که همیشه ثنوری و عمل از هم فاصله دارند. به دلیل درک صحیح جایگاه تحقیقات و تأمین بودجه برای R&D در کشورهای پیشرفته و اینکه اگر بتوانیم «تحقیق» را کاملاً تلقی کنیم در این کشورها این «کالا» یک کالای ضروری (و نه لوکس) تلقی می‌شود که برای توسعه، ضرورت آن کاملاً احساس شده است. این فاصله (به دلیل ارتباط نزدیک مراکز علمی - تحقیقاتی و هسته‌های اجرایی و گسترش فرهنگ تحقیقاتی و انتشار آثار و نتایج آن برای جلب حمایت عامه مردم) به حداقل ممکن رسیده است.

هدف از این تحقیق شناسائی و تبیین پایه‌های نظری عملکرد نظام بانکی کشور و مقایسه آن با مقالاتی است که منطبق با متن قانون و دستورالعملهای اجرایی آن نوشته شده است می‌باشد. مقالاتی که در زمینه بانکداری اسلامی نوشته شده است را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم‌بندی کرد: اول آن دسته که مدلهای ارائه شده مخلوطی است از بانکداری غربی یعنی وجود بازار پولی و واسطه و جوه قرار دادن بانکها و مفاهیم اسلامی. دسته دوم شامل مدلهائی است که نویسندگان آن سعی نموده‌اند با اتکاء به مفاهیم اسلامی مدلهائی هرچند بیگانه از نظر اقتصاددانان غربی ارائه دهند. دو نکته در اینجا قابل ذکر است: اول آنکه دسته اول از مقالات که غالباً توسط اقتصاددانان اهل تسنن نوشته شده است بر روی عقد مضاربه تأکید دارند و اساس بانکداری اسلامی را بر عقد مضاربه تنظیم کرده‌اند. دوم آنکه به دلیل اینکه قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ (مطابق ۱۹۸۳ میلادی) به تصویب رسیده است و از ابتدای سال ۱۳۶۳ مطابق سال ۱۹۸۴ میلادی قابل اجرا بوده است و نیز به دلیل عدم توجه این قانون فقط به عقد مضاربه، نمی‌توان گفت که مقالاتی که توسط

دسته اول در قبل از سالها^۱، مذکور نوشته شده است الگوی نظری این قانون بوده است (گرچه این مقالات عمدتاً رسط کمیته انشاء قانون مورد مطالعه قرار گرفته بودند). معیناً انگیزه برای دو استنتاج قوی است: اول آنکه - چون تمایلات نویسندگان دسته اول به سمت الگوهای غربی بوده است تهیه کنندگان دستورالعمل‌ها و مجریان یا به دلیل ارجح شمردن افکار غربی بر افکار بومی و درون‌زا و یا ساده بودن بانکداری ربوی تحت تأثیر افکار آنها قرار گرفته‌اند. دوم اینکه ممکن است جریان امر برعکس بوده باشد یعنی برخی از نویسندگان دسته اول با استناد به عملکرد بانکداری اسلامی در کشورمان و کشورهای مشابه الگوی نظری خود را تنظیم کرده‌اند. (بعنوان مثال به صفحه ۳۱ مقاله MOHSIN S.KHAN (۱۹۸۷ مراجعه شود). هر یک از دو مورد اخیر ویژگی مشترک تأثیرپذیری از الگوهای غربی و عدم وجود اصالت اسلامی را دارا می‌باشد.

در این مقاله مواردی که قابل تأمل هستند مطرح گردیده ولی برای جلوگیری از مطرح شدن آن برخی از این موارد با دقت بیشتری مورد مطالعه قرار می‌گیرند و تحقیق در خصوص بقیه موارد را به مقالات آینده موکول می‌نماید.

۱ - ملاحظات در خصوص قانون عملیات بانکی بدون ربا:

در این قسمت سعی می‌شود که به نکاتی که بعداً نسبت به برخی از آنها توضیح بیشتری داده خواهد شد بپردازیم.

۱ - ۱ در هیچیک از مواد این قانون بانک واسطه^۲ و جوه^۳ نیست بلکه تأمین‌کننده سرمایه است. در انجام این کار اگر بانک از منابع خود (سرمایه - سود و قرض الحسنه) استفاده کند در سرمایه‌گذاری که انجام می‌دهد با سپرده‌گذاران شریک می‌شود ولی اگر فقط از منابع بانک استفاده کند به عنوان وکیل سپرده‌گذاران عمل خواهد کرد ولی اگر هر دو عمل را در یک پروژه خاص انجام دهد هم شریک و هم وکیل سپرده‌گذاران خواهد بود. در هر صورت بانک به هنگام امضاء قرارداد با سرمایه‌گذاران (متقاضیان تسهیلات بانکی) شریک آنها محسوب می‌شود. بنابراین قدرت خلق پول از بانکها سلب شده است در نتیجه نرخ سپرده قانونی که در بانکداری ربوی اساساً برای تنظیم حجم «پول» بکار می‌رود و هیچگونه کاربردی در این قانون ندارد. تغییر حجم پول نیز علی‌القاعده باید تغییرات متناظری در حجم سرمایه و سرمایه‌گذاری داشته باشد و چون با حذف بهره بازار پولی نیز حذف می‌شود تنزیل مجدد نیز جایگاهی ندارد. به عبارت دیگر ابزار متعارف «سیاست پولی» در بانکداری اسلامی کاربرد ندارد.

دقت در ۲۷ ماده و ۴ تبصره این قانون نشان می‌دهد که بانک از صورت بانک متعارف (یعنی واسطه و جوه) خارج شده و به جای آنکه یک مؤسسه پولی (MONETARY INSTITUTION) باشد به

یک مؤسسه مالی (FINANCIAL) تبدیل می‌شود^۴ و مهمترین ابزار سیاست بکار گرفته شده در این نوع بانکداری (یعنی سیاست تأمین مالی FINANCIAL POLICY) تغییر نسبت سهم سود تسهیلات اعطائی^۵ می‌باشد.

۲ - ۱ به موجب مفاد این قانون ارزش دارائیهای بانکها به دلیل مشارکت با متقاضیان تسهیلات بانکی همواره با تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها و در یک جهت حرکت خواهد کرد زیرا هر اندازه از ارزش پول کاسته شود به همان اندازه به ارزش دارائیهای واقعی افزوده خواهد شد.^۶ در حالیکه تنها در صورت اعطای وام ربوی است که این تناسب از بین می‌رود و بانک فقط درصد نرخ بهره از پیش تعیین شده را از وام‌گیرنده دریافت خواهد کرد.

۳ - ۱ چون بر اساس مواد این قانون بانک در سود حاصل از مشارکت بانکها با متقاضیان تسهیلات بانکی شریک است، در شرائط تورمی^۷ حجم سود افزایش یافته و حق سپرده‌گذاران توسط بانک گرفته شده و به آنها داده خواهد شد. به عبارت دیگر این قانون موجب تعدیل درآمدها خواهد شد و افراد با درآمد کم و درآمد متوسط به تناسب سپرده‌ای که در بانکها به ودیعه گذارده‌اند از آثار منفی تورم بر قدرت خریدشان در امان خواهند بود. در چنین حالتی است که بانک به عنوان وکیل نقش واقعی خود را ایفاء خواهد کرد.

۴ - ۱ با تأمین سرمایه توسط بانکهای کشور و از بین رفتن فاصله بین اعطاء تسهیلات بانکی و تولید (یا ارزش افزوده در عقد مضاربه) و نیز صفر بودن هزینه سرمایه در عقود مضاربه - مشارکت حقوقی - و مشارکت مدنی که اهم حجم سرمایه توسط این عقود تشکیل خواهد شد قیمت تولید شده محصولات کاهش خواهد یافت.^۸ توضیح آنکه در بانکداری ربوی ابتدا پول (به جای سرمایه) تزریق می‌شود و بخشی از این پول تزریق شده صرف تشکیل سرمایه می‌شود. مضافاً اینکه هزینه بهره نیز به قیمت تمام شده محصولات اضافه می‌شود.

۵ - ۱ آنچه از مفاد این قانون برمی‌آید این است که تعدد عقود مندرج در آن اولاً به غنای آن افزوده^۹ و ثانیاً به وجود آمدن تخصص را یا در بانکها و یا در سطح کارکنان بانکها می‌طلبد.

۶ - ۱ در قانون مورد بحث برای شخصیت مسلمانان احترام خاصی قائل شده است و امضاء ایشان را در ایفای به تعهداتشان و صداقت آنها ارج می‌گذارد و به این علت است که کلیه اسناد مربوطه لازم‌الاجرا می‌باشد. در حالیکه در بانکداری سنتی این شخصیت والا از آن ثروت و اموال متقاضیان وام است و شخصیت انسان تحت الشعاع ارزش مادی مال قرار می‌گیرد.

۲ - بررسی برخی از مقالات بانکداری اسلامی در پرتو مطالب مندرج در بند ۱:
در این قسمت از مقاله سعی می‌شود که نکاتی که آثار اقتصادی مهمی بر آنها مترتب است و در

برخی از مقالات بانکداری اسلامی مطرح شده است مورد تحلیل قرار گیرد. در انجام این کار به تاریخ نگارش مقاله توجه خواهد شد هرچند در تحلیل یک مقاله ممکن است به محتوای مقاله یا مقالات دیگر اشاره شود.

۱ - ۲ مقاله: MONZER KAHF (1978): THE ISLAMIC ECONOMY

و مقاله: AI - JARHI (1983): A MONETARY AND FINANCIAL STRUCTURE OF AN INTEREST - FREE ECONOMY

این دو مقاله به دلیل تشابه یکجا مورد بحث قرار می‌گیرند. نویسندگان این دو مقاله هر دو پیشنهاد ۱۰۰٪ سپرده قانونی را داده‌اند. با توجه به اینکه به تحریم بهره بازار پولی حذف می‌شود و بانکها به جای اعطاء وام به تأمین مالی پروژه‌ها (پروژه‌های کوچک و بزرگ) می‌پردازند و با عنایت به بند ۱ - ۱ بالا سپرده قانونی نمی‌تواند اصولاً نقشی داشته باشند. هدف از پیشنهاد ۱۰۰٪ سپرده قانونی از یک طرف ممکن است برای جلوگیری از خلق پول باشد و از طرف دیگر همانطور که پروفیسور میلتون فریدمن گفته است مقاله وی در ۱۹۶۹ برای جلوگیری از مداخله دولت و استقلال نظام بانکی بوده است. در جای دیگر فریدمن نگران فاصله زمانی بین تزریق پول در جامعه و تولید بوده است چرا که در بانکداری ربوی ابتدا پول در جامعه تزریق شده سپس درصدی از آن به سرمایه تبدیل می‌شود و بقیه راهی بازار سفته‌بازی و احتکار و کنز (بازار پولی) می‌شود در حالیکه در بانکداری اسلامی با امضاء قرارداد نوع مشخصی از پروژه (PROJECT - SPECIFIC) فاصله زمانی بین عرضه سرمایه و تولید کالا و خدمات به حداقل ممکن می‌رسد.

۲ - ۲ مقاله: MOHAMED ARIFF (1982): MONETARY POLICY IN AN INTEREST - FREE ISLAMIC ECONOMY

نویسنده مقاله با احتیاط سعی می‌کند مسائلی که در چارچوب اقتصاد اسلامی وجود دارد در خصوص پول و سیاست پولی مطرح کند و آن را با سیستم سرمایه‌داری مقایسه کند. این مطلب با مطالب بند ۱ - ۱ بالا مغایر است. اظهارنظرهای وی دور از آنچه که سایر اقتصاددانان مسلمان اهل تسنن به آن رسیده‌اند نیست. میانه‌روی نویسنده باعث شده است که نتوان موضع خاصی نسبت به آن اتخاذ کرد. او پیشنهاد شاخص‌بندی (INDEXATION) در خصوص سپرده‌ها را نموده است.

۳ - ۲ مقاله: MOHAMMAD MOHSIN (1982): A PROFILE OF RIBA - FREE BANKING

نویسنده مقاله اظهار می‌دارد (صفحه ۱۸۸) که طبق اصول شریعت بانکداری بدون ربا می‌تواند بر اساس اصل مضاربه یا MUTUAL FUNDS عمل نماید:

IN TERMS OF THE SHARIAH RIBA - FREE BANKING WILL BE BASED ON THE PRINCIPLES OF MUDARABAH OR "MUTUAL FUNDS" WHERE THE SHARE

HOLDERS, DEPOSITORS, INVESTORS, BORROWERS, AND EMPLOYEES OF THE BANK WILL BE SHARING THE FRUITS OF THE SYSTEM.

اشتباه روشنی که در این اظهار نظر وجود دارد این است که اولاً مضاربه بر اساس نظر فقهای شیعه (همچنان که در قانون مدنی کشورمان آمده است) فقط مختص امور تجارت است ثانیاً مضاربه از سه عقد جایز امانت - و کالت و شراکت درست شده است و هرگز مالکیت سرمایه صاحب سرمایه به عامل منتقل نمی شود و اگر قرار باشد بر اساس نظر نویسندگان مالکیت سرمایه منتقل شود عقد مورد بحث به قرض تبدیل می شود و وام دهنده حق دریافت هیچگونه مبلغ اضافی از وام گیرنده را ندارد. این شاید اولین باری است که یک اقتصاددان مسلمان پیشنهاد می کند که بانکداری اسلامی می تواند بر اساس عقد مضاربه عمل کند. همانطور که بعداً خواهد آمد مقالات مشترک دکتر محسن خان - دکتر میرآخور و نیز دکتر ندیم الحق نیز بر همین اساس لرزان قرار گرفته است و مرتباً به وام گیرنده و وام دهنده اشاره دارند. بعید نیست که تفکر M.MOHSIN در آنها تأثیر شدیدی داشته بدون آنکه به این مطلب صریحاً اشاره کنند.

۴ - ۲ مقاله UMER M.CHAPRA (1982): MONEY AND BANKING IN AN ISLAMIC ECONOMY

نویسنده صریحاً از بازار پولی بحث نمی کند ولی او نیز مانند بسیاری از اقتصاددانان مسلمان از سیاست پولی بحث می کند ولی بحث در خصوص نرخ بهره - نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز را در سیستم اسلامی غیر عملی می داند و فقط به حجم تأکید دارد (صفحه ۱۷۰). در صفحه ۱۷۱ هدف سیاست پولی را به صورتی ترسیم می کند که حجم پول نه غیر کافی باشد و نیز زیاده از حد باشد بلکه با ظرفیت اقتصادی جامعه در تولید کالاها و خدمات هماهنگی داشته باشد. مجدداً همان ایراد مندرج در بند ۱ - ۱ بالا در این مورد نیز وارد است. اساس کار ایشان نیز در خصوص بانکداری اسلامی اصل مضاربه می باشد (صفحه ۱۱).

۵ - ۲ مقاله: MOHAMED ARIFF (ED.1982): INTRODUCTION TO MONETARY AND FISCAL ECONOMICS OF ISLAM

در حقیقت این مقاله به عنوان مقدمه آمده است ولی حاوی نکات ارزنده ایست که عمق درک نویسنده را نشان می دهد ولی آنچه که مورد بحث مقاله حاضر است نکته اساسی زیر است که وی با صراحت اعلام می دارد:

TOOLS LIKE IS-LM FRAMEWORK, IN WHICH INTEREST RATE PLAYS A CRUCIAL ROLE, ARE UNAMBIGUOUSLY ALIEN TO THE ISLAMIC IDEOLOGY AND HENCE TOTALLY UNACCEPTABLE.

۶ - ۲ کتاب: UMER M. CHAPRA: TOWARD A JUST MONETARY SYSTEM (1985)

فصول ۶ و ۷ این کتاب (صفحات ۲۱۵ - ۱۴۷) با موضوع مورد بحث این مقاله ارتباط دارد. نویسنده اگرچه از مضاربه و مشارکت (صفحه ۱۷۳) نام می‌برد ولی اکثر مطالب کتاب مربوط به مضاربه است و حاوی اشتباهاتی است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

الف - در صفحه ۱۵۶ از مضاربه به عنوان وام یاد می‌کند و از وام مضاربه‌ای بحث می‌کند. این اشتباه برای چندمین بار تکرار می‌شود که عقد وام را جزو عقودی که سود به اعطاءکننده آن تعلق می‌گیرد می‌داند. قبلاً در این مورد توضیح داده شده است.

در اینجا لازم به یادآوری است که از نظر عرف و ماهیت وام‌های اعطائی از نظر مبلغ جزئی بوده و زمان آن نیز کوتاه می‌باشد یعنی غالباً برای رفع نیازهای شخصی به آن متوسل می‌شوند نه برای سرمایه‌گذاری زیرا علاوه بر مبلغ محدود، زمان آن نیز غالباً در حدی نیست که بتوان با آن به سرمایه‌گذاری پرداخت. ضمناً اخذ وام جز در موارد اضطراری مکروه است و معلوم نیست با این خصوصیات چگونه می‌تواند نیازهای سرمایه‌گذاری جامعه را برطرف کند.

ب - نویسنده بانکداری اسلامی را با بانکداری مضاربه‌ای مترادف گرفته است (صفحه ۱۷۸) و حتی در این صفحه از بانک مضاربه‌ای یاد می‌کند.

ج - معلوم نیست که عقد مضاربه در فقه اهل تسنن تا چه حد مهم است که علیرغم ماهیت کوتاه‌مدت بودن آن نویسنده سپرده‌های مضاربه‌ای را به سه دسته پس‌انداز - مدت دار و ثابت (صفحه ۱۵۹) تقسیم می‌کند که همانطور که از نام آنها برمی‌آید این سپرده‌ها از نوع میان مدت و بلندمدت هستند.

د - نویسنده علیرغم تمرکز تحلیلی خود بر روی مضاربه که در صفحات ۲۵۱ - ۲۴۸ به تحلیل فقهی آن پرداخته است در صفحه ۲۵۰ اضافه می‌کند که اگر در قرارداد ذکر شود صد درصد سود مربوط به عامل است آنگاه صاحب مال به صورت وام‌دهنده درمی‌آید (!؟) که اگر چنین باشد پس بنابراین در وام مضاربه‌ای (ص ۱۵۶) تمام سود مربوط به صاحب مال است و اساس بانکداری که ایشان پیشنهاد آن را داده است وام می‌باشد که بانک از نظر فقهی نمی‌تواند در آن شریک باشد و معلوم نیست این چگونه بانکی است که تمام تسهیلات خود را (حتی بلندمدت) را به صورت وام به افراد می‌دهد؟!

ه - نویسنده از سیاست پولی (صفحات ۲۱۵ - ۱۸۷) بحث می‌کند و شدیداً با وجود هر نوع بهره مخالفت می‌کند. معلوم نیست این چه صفتی است که به بانکداری اسلامی داده شده است؟ به این معنا که اگر به موجب نوشته‌های ایشان بانک پول خلق نمی‌کند و صرفاً وام بدون بهره می‌دهد اولاً این پیشنهاد برخلاف آنچه ایشان خود را حامی آن می‌داند یعنی رفاه اجتماعی (صفحه ۱۷۳) که مصرف

و سرمایه‌گذاری باید از نظر اجتماعی مطلوب باشد و عدم تساوی (!؟) در درآمد و ثروت بوجود نیاید به نفع سرمایه‌گذاران است. زیرا سود حاصل از هرگونه فعالیت تولیدی، تجاری در اختیار استفاده‌کننده از تسهیلات قرار می‌گیرد. ثانیاً آیا صندوقهای قرض‌الحسنه (به مفهوم واقعی آنها) نمی‌تواند به بهترین وجه این وظیفه را انجام دهد؟ اگر جواب مثبت است پس جایگاه بانکداری کجا است؟ و چرا اصولاً از بانکداری بحث می‌شود؟

ایشان پیشنهاد کرده است (صفحه ۱۶۱) که برای سپرده‌های مضاربه‌ای سپرده قانونی دریافت نشود ولی معلوم نیست که اگر بانکی که ایشان پیشنهاد آن را کرده است به همان صورت عمل نماید چرا باید برای سپرده‌های دیداری ۲۰ درصد سپرده قانونی نگهداری شود؟ (صفحه ۱۹۸)

۷ - ۲ مقاله:

MOHSIN S. KHAN (1987): ISLAMIC INTEREST - FREE BANKING: A THEORETICAL ANALYSIS

نویسنده در صفحه ۱۶ این مقاله می‌نویسد:

BECAUSE THIS MATERIAL IS STILL RELATIVELY NEW, CONSIDERABLE MISUNDERSTANDING STILL EXISTS ABOUT WHAT ISLAMIC ECONOMICS IS AND HOW AN ECONOMIC SYSTEM BASED ON ISLAMIC CRITERIA DIFFERS FROM OTHER ECONOMIC SYSTEMS.

با این جمله به نظر می‌آید که نویسنده در صدد است که سوء تفاهم (یا سوء تفاهمات) موجود در خصوص بانکداری اسلامی را برطرف کند. در اینجا انسان یاد جمله پرمعنای زیر می‌افتد که:

ARE YOU TRYING TO SOLVE THE PROBLEM OR YOU ARE PART OF THE PROBLEM?

آیا ایشان سعی کرده است که مساله را حل کند یا خودش مساله‌آفرین شده است؟
نامبرده در صفحه ۱۷ نوشته است:

...THIS PAPER FOCUSES EXCLUSIVELY ON THE ANALYTICAL FEATURES OF ISLMIC BANKING.

بنابراین وعده این است که مشخصات و وجوه بانکداری اسلامی (یعنی نظریه مربوط به بانکداری اسلامی) مورد تحلیل قرار گیرد یعنی همانطور که از یک تئورسین انتظار می‌رود که کاری سازنده ارائه دهد نه مخرب و انحراف‌کننده باید دید که ایشان در انجام این کار موفق بوده است؟ یا برعکس برای رفتار انحرافی برخی از کشورهاییکه (به اصطلاح) بانکداری اسلامی را پیاده کرده‌اند الگو تهیه کرده است؟ در حالت اول (یعنی الگوسازی برای سازندگی) کاری شایسته و در خور تحسین است ولی

در حالت دوم نمی‌توان از مسئولیت فرهنگی صاحب نظران گذشت زیرا آنها وظیفه اصلاح جامعه را برعهده داشته و همیشه باید در صدد اصلاح انحرافات عملی و فرهنگی موجود در جامعه باشند.

نویسنده بدون توجه به اینکه ممکن است بحث در خصوص بدست آوردن منحنی‌های IS , LM در سیستم اسلامی به دلیل عدم وجود بهره مورد انتقاد اقتصاددانان مسلمان قرار گیرد (همچنانکه قبلاً در مورد نظر M.ARIFF اشاره شد) به عنوان کاری بدیع و درخور تحسین نرخ بازدهی واقعی را به طور صوری و ظاهری جایگزین نرخ بهره کرده است و مدل ساده IS - LM را به دست آورده است. منحنی‌های IS , LM (اگر پایه و اساس عملی و منطقی هم داشته باشد که در این مورد پس از بررسی مقاله دکتر محسن خان و دکتر میرآخور توضیح داده خواهد شد) اولی با نرخ بهره رابطه منفی و دومی با آن رابطه مثبت ممکن است داشته باشد. به عبارت دیگر معلوم نیست که چگونه قابل توجیه سرمایه‌گذاری با نرخ بازدهی واقعی می‌توان رابطه منفی داشته باشد؟ ضمناً چگونه قابل توجیه است که به دلیل افزایش نرخ بازدهی واقعی تقاضا برای پول کاهش یابد؟ این دو ممکن نیست مگر آنکه کلمه بهره جای خود را به عبارت «نرخ بازدهی» و به طور صوری عرض کرده باشد زیرا که در این مقاله از بازار پولی بحث شده است. بازار پولی بدون نرخ بهره موجودیت پیدا نمی‌کند بنابراین نویسنده مقاله در درک صحیح یک نکته اولیه و در عین حال ساده دچار مشکل شده است. توضیح زیر تا حدودی مشکل نویسنده این مقاله را نشان می‌دهد:

در پائیز سال ۱۳۷۱ که دکتر محسن خان در سمینار بین‌المللی بانکداری اسلامی که در بابلسر تشکیل گردید پس از سخنرانی اینجانب مقاله فوق را مورد بحث قرار داده بود که مورد اعتراض دانشجویان حاضر در جلسه قرار گرفت. این مطلب را نامبرده پس از آمدن به تهران و قبل از سخنرانی در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای من تعریف کرد. من از فرصت استفاده کرده و با ایشان همانروز بعد از ظهر برای حدود ۲۵ دقیقه در این زمینه (در مؤسسه بانکداری ایران) بحث کردیم. دو نکته را به ایشان تذکر دادم: اول آنکه به دلیل بسیار ساده پس از حذف بهره بازار پولی و منحنی LM دیگر در اقتصاد اسلامی جای بحث ندارد و دوم آنکه همانطور که اینجانب در مقاله خود در سال ۱۳۶۸ تحت عنوان «پول در اقتصاد اسلامی» نوشته‌ام معتقد هستم که تا زمانی که مفهوم پول برای ما در این سیستم روشن نشده است نمی‌توان از بانکداری اسلامی بحث کرد. نامبرده با تواضع هر دو نکته را پذیرفت و حتی اضافه کرد که من ترجیح می‌دادم قبل از نوشتن مقاله در مورد بانکداری اسلامی در خصوص پول در این سیستم مطالعه می‌کردم و نیز اشاره کرد به اینکه: اخیراً عده‌ای از اقتصاددانان در جده از ما سؤال کرده‌اند که پول در اقتصاد اسلامی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ (لازم به توضیح است که اینجانب عقاید خود را به این عده از اقتصاددانان هم در کشور پاکستان و هم مالزی در سمینارهای مربوط به اقتصاد و بانکداری اسلامی اعلام داشته بودم).

ایشان در نتیجه‌گیری (صفحه ۳۱) برخلاف قولی که در ابتدای مقاله داده بود که فقط به تحلیل تئوریکی بانکداری اسلامی بپردازد و علی‌القاعده رفتار بانکداری اسلامی را به جهتی مناسب و صحیح رهنمون شود می‌نویسد که مدل ارائه شده در مقاله وی نشان دهنده نوعی از سیستم بانکداری اسلامی است که در برخی از کشورهای اسلامی بکار گرفته شده است. جالب توجه است که در همین صفحه می‌خوانیم که مدل ارائه شده یک تشابه تکان دهنده‌ای با سیستم بانکداری برخی از کشورها بخصوص ایالات متحده آمریکا دارد (؟!). بدیهی است که نحوه‌ای که وی موضوع را مطرح کرده است می‌بایستی به بانکداری ربوی شبیه باشد. در کدام قسمت از بحث تحلیلی مربوط به بانکداری اسلامی این مقاله تفاوت اصولی با بانکداری ربوی دیده می‌شود؟ در حالیکه با حذف بهره تفاوت‌های ماهوی در سیستم اقتصادی به وجود می‌آید. به عنوان نمونه به برخی از مقالات اینجانب که در فهرست منابع و مآخذ آمده است مراجعه شود.

در صفحه ۳۳ مقاله در بخش مربوط به نتیجه‌گیری آمده است که دو نوع عملیات (یکی مربوط به سپرده‌هایی که شبیه سپرده‌های دیداری است و دیگری سپرده‌های سرمایه‌گذاری) در کشورهای اسلامی در حال پیاده شدن است. معلوم نیست اشاره ایشان به کدام کشور است؟ اگر اشاره به ایران دارد موجب مباهات نیست که در این کشور اسلامی عملیات بانکداری مطابق مدل وی و با ایجاد بازار پولی صورت گرفته باشد زیرا در هیچیک از مواد قانون عملیات بانکی بدون ربا وام دادن با نرخ سود از پیش تعیین شده نیامده است.

توضیح در مورد اعتبار منحنی‌های LM , IS :

سالها است که اقتصاددانان با استفاده از منحنی‌های LM , IS به تحلیل بسیاری از مسائل اقتصاد کلان پرداخته‌اند. شاید بهترین نحوه به دست آوردن این دو منحنی را گادنر اکللی GADNER ACKLEY در سال ۱۹۶۱ کتاب خود در صفحه ۳۷۹ انجام داده باشد. استفاده از این منحنی‌ها تا ۱۹۸۵ بدون چون و چرا انجام شد. همیشه افراد نادری هستند که به مسایل پیچیده پی برده و یا به اشتباهات دیگران توجه کرده و به عنوان رسالتی علمی دیگران را از تکرار آنها برحذر می‌دارند. یکی از این افراد پروفیسور دیوید گولند D.GOWLAND هست که در چاپ اول کتاب خود در سال ۱۹۸۵ (و نیز در چاپ دوم آن در ۱۹۹۱) به مشکلات ناشی از مفروضات محدودکننده‌ای که استفاده از LM , IS متعارف (اولی با شیب مثبت و دومی با شیب منفی در محورهای مختصات نرخ بهره - درآمد) پی برده و در صفحه ۱۰۵ کتاب خود (چاپ دوم ۱۹۹۱) به ۱۶ موردی که وضعیت‌های مختلف IS و LM جوابهای گوناگونی می‌دهد با دقت تمام توجه کرده است. از این ۱۶ جواب متفاوت فقط یک مورد است که در آن هم سیاستهای پولی و هم سیاستهای مالی (سیستم سرمایه‌داری) توأماً جواب می‌دهد

و یک مورد است که فقط سیاست مالی جواب می‌دهد و نیز یک مورد دیگر وجود دارد که سیاست پولی جواب می‌دهد. بقیه موارد جواب گمراه‌کننده‌ای به دست می‌دهد. ضمناً شیب‌های طبیعی LM، IS زمانی اتفاق می‌افتد (همانطور که در بالا ذکر شد در محورهای مختصات نرخ بهره - درآمد) که هم کشش درآمدی مخارج و هم کشش بهره‌ای مخارج بین صفر و بی‌نهایت باشد (البته قدر مطلق آنها). از این رو وی سعی می‌کند صرفاً با تعقیب ترکیباتی از نرخ بهره و درآمد منحنی LM را به دست آورد. اینجانب نیز سه اشکال به منحنی IS وارد کرده‌ام که فعلاً جای بحث آن نیست.

علیرغم مشکلات فوق ملاحظه می‌شود که دکتر محسن خان به دلیل عدم توجه و استفاده از فرمولهائی که استفاده از آنها خالی از اشکال نیست سعی در به دست آوردن منحنی‌های IS، LM برای نظام بانکداری اسلامی نموده است؟! نکته مهم این است که مقاله وی در سال ۱۹۸۷ به چاپ رسیده است یعنی دو سال پس از چاپ اول کتاب گاولند در ۱۹۸۵ که نشان می‌دهد ولی از وجود چنین کتابی مطلع نبوده است. البته از اقتصاددانانی که در سازمانهایی که اساس کارشان سیاسی است بیش از این نمی‌توان انتظار داشت. این اساتید و محققین دانشگاهی هستند که ماهیت کار ایشان از نظر فشرده بودن رقابت ایجاب می‌کند که خود را موظف به مطالعه آخرین مقالات و کتب می‌دانند. در خاتمه این بحث خاطر نشان می‌سازد که مقالاتی که نویسنده مشترک دارد مسؤولیت عمده (در عرف علمی بین‌المللی) برعهده وی است.

۸ - ۲ مقاله SHAHRUKH RAFI KHAN (1987): AN ECONOMIC ANALYSIS OF A PLS MODEL FOR THE FINANCIAL SECTOR

در این مقاله پروفیسور جیمز توبین در خصوص ریسک و بازدهی مورد استفاده قرار گرفته و حدّ بهینه نگاهداری پول - حساب PLS و پس‌انداز تعیین شده است. در اینجا نیز اشتباه آن دسته از اقتصاددانانی که وام‌دهنده در سود حاصل از بکارگیری مبلغ وام شریک است تکرار شده است.

۹ - ۲ مقاله: NADEEM UL _ HAQUE AND A.MIRAKOHR (1987) OPTIMAL PROFIT SHARING CONTRACTS AND INVESTMENT IN AN INTEREST _ FREE ISLAMIC ECONOMY.

در این مقاله نظریه صاحب مال - عامل (PRINCIPAL _ AGENT) بکار گرفته شده است. نکات زیر در مورد این مقاله قابل تعمق است:

الف - همانطور که می‌دانیم در نظریه صاحب مال - عامل یک فرد تمام سرمایه را تأمین می‌کند و فرد دیگر به عنوان مدیر یا عامل آنرا بکار گرفته و سود حاصل را بر اساس نسبتی که از قبل توافق شده

است را بین خود تقسیم می‌کنند. این نظریه با عقد مضاربه هماهنگی کامل دارد و گوئی فقط برای این عقد تنظیم شده است. کاربرد دیگر این مدل در خصوص مدیریت شرکتهای سهامی است.

ب - می‌دانیم مورد استفاده عقد مضاربه فقط در تجارت است و در تجارت گرچه سرمایه وجود دارد (قبلاً در این خصوص توضیح داده شده است که پول سرمایه بالقوه است که به محض ترکیب با یکی از عوامل تولید به سرمایه بالفعل تبدیل می‌شود) ولی سرمایه‌گذاری به مفهوم افزایش در حجم سرمایه وجود ندارد. در حالیکه نویسندگان این مقاله این عقد را در کلیه موارد مورد بحث بکار برده‌اند و در عنوان مقاله به اشتباه از کلمه «سرمایه‌گذاری» استفاده کرده‌اند.

ج - در عقد مضاربه رابطه بین عامل و صاحب سرمایه رابطه صاحب سرمایه و مضارب است نه رابطه داین و مدیون (!؟) زیرا همانطور که قبلاً توضیح داده شد اگر این رابطه وجود داشته باشد وام دهنده چون پول (نه سرمایه) در تملیک وام گیرنده قرار می‌دهد نمی‌تواند سهمی از سود داشته باشد در حالیکه در کلیه مباحث این مقاله این اشتباه مرتکب شده است.

د - در بخش ۳ این مقاله بر مبنای ناصحیح استقراض و مشارکت در سود حاصل از به کارگیری آن در شرائط قابل تعیین (DETERMINISTIC) و به کارگیری مضاربه مدل تعادل عمومی را مطرح کرده گوئی که از طریق تجارت و فقط تجارت می‌توان به تعادل عمومی رسید؟! نتیجه حاصل از این بحث در صفحه ۱۴۸ آمده است که: در دنیای اطمینان و اطلاعات کامل تفاوتی بین سیستم ربوی و اسلامی وجود ندارد (!؟) در حالیکه مقاله اینجانب تحت عنوان «تحلیل مقایسه‌ای سرمایه‌گذاری...» که بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، کشورمان تنظیم شده است نتیجه حاصل این است که به دلیل واضح صفر بودن هزینه سرمایه (در مشارکت در سود و زیان) سرمایه‌گذاری (به مفهوم متعارف اقتصادی آن که با تولید و اشتغال همراه است نه تجارت که مستقیماً با آنها همراه نیست) حجم سرمایه‌گذاری در سیستم اسلامی بیشتر از سیستم ربوی خواهد بود.

ه - در بخش ۴ این مقاله که موضوع در شرائط نااطمینانی ولی اطلاعات کامل مورد بحث قرار گرفته است و غالب نتیجه‌گیریهای نویسندگان بر اساس نتایج حاصل از این بخش بدست آمده است اشتباهات فاحشی وجود دارد که کلیه نتایج مقاله را زیر سؤال می‌برد. از آن جمله است:

۱ - مجدداً مضاربه به عنوان عقدی که وام گیرنده و وام دهنده در سود و زیان شریک می‌شوند مطرح شده است.

۲ - صرفنظر از اشتباه فوق و اینکه در مضاربه سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد به درستی به یک نکته اشاره شده است و آن اینکه سود حاصل از عملیات مضاربه همان درآمد است یعنی هزینه وجود ندارد (و یا اینکه قابل اغماض است) در حالیکه در مشارکت هم سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد و هم آنکه هزینه مثبت است. بنابراین مبلغ استقراضی (که باید مبلغ سرمایه نامیده می‌شد) برابر I است و